

بسم الله الرحمن الرحيم

بیماری حفتر و پیامدهای آن بر وضعیت داخلی لیبیا



(ترجمه)

مدتی است که گزارشات در مورد وضعیت صحتی جنرال حفتر فرمانده ارتش ملی لیبیا متناقض است؛ برخی می‌گویند که وی سکنه مغزی کرده و در حالت کوما قرار دارد. برخی می‌گویند که بر بالین خود در انتظار مرگ می‌باشد و برخی چون آژانس رسانه‌ای "الکرامه" که ترکیبی از بقایای نظام سابق و تعداد اندک از سیکولرهای کنونی می‌باشد، از شرایط خوب حفتر سخن می‌گویند. در کل رسانه‌ها از گزارش واقعیت بیماری حفتر خودداری می‌نمایند.

در اواسط ماه گذشته، بعد از این‌که صالح، یکی از نظامیان، از جبهه نظامی مستقر در شهرستان درنه، که اکنون در محاصره قرار دارد، دیدن نمود، در آنجا تعداد از جوانان قبیله خویش را که وابسته به نیروهای مهاجم حفتر بودند، به این که سرنوشت آن‌ها مانند سرنوشت "قبیله البراعصه" خواهد بود، هشدار داد، درگیری‌ها بین صالح و حفتر بالاگرفت. بنابر این، دفتر امنیتی حفتر بر نگهبانان صالح حمله کردند و در نتیجه "آلیه" را از افراد صالح پس گرفت و این عکس‌العمل حفتر یک پیام روشن برای صالح بود.

اما امروز حفتر در بستر مرگ قرار دارد و ما شاهد رقابت اطرافیان وی-چه آن‌هایی که در مصر اند و چه آن‌هایی که در امارات- بر جانشینی وی می‌باشیم. صالح نیز به امارات سفر کرده تا این که در تعیین جانشینی حفتر سرعت ببخشد. جانشین حفتر کسی باشد که وابسته به امارات بوده و حامی و پشتیبانی برای صالح باشد، در حالی که مصر تلاش دارد تا فرجان، مسئول امنیتی حفتر را در مناطق شرقی در جای حفتر بگمارد؛ چون فرجان از قوم فرجان (قوم حفتر) بوده، برای مصر فرد مورد اعتماد می‌باشد و به راحتی می‌تواند اوامر مصر را اجراء نماید. اگرچه در حجم و قدرت حفتر نمی‌باشد که بتواند شرق لیبیا را کاملاً در قبضه مصر و در عقب آن در قبضه آمریکا قرار دهد، اما در آینده در سیر حوادث لیبیا می‌تواند تأثیر خود را داشته و از مهره‌های محلی آمریکا در آنجا حمایتی داشته باشد.

اما همین که نیمی از نیروهای حفتر رهبری فرجان را برای ارتش رد نموده‌اند، نام‌های دیگری برای عهده‌داری این منصب پیشکش شد، مانند عبدالسلام حاسی، فرمانده نیروهایی که در چهارسال گذشته برای باز یافت فاسدین از آن‌ها کار گرفته می‌شد. اما آن‌چه را که باید دانست، اینست که هرکس را در جای حفتر قرار دهند، چه فرجان باشد، چه فاخوری و حاسی و یا هم پسر حفتر، نمی‌توانند اوضاع را همانگونه که بود، برگرداند، زیرا حفتر که خود از حل و فصل اوضاع مناطق شرقی عاجز مانده بود، چه بسا که عاجزتر از آن نیز عاجز خواهد ماند. حتی آمریکا نیز توان آن را ندارد که حسب منافع خود کار را در دست کاردانش بسپارد، مجبور است که با انگلیس، فرانسه در لیبیا کنار آید. ما به این موضوع از چند زاویه نگاه می‌کنیم:

1- بیانیه‌ای چندروز پیش یک مقام آمریکایی در خصوص این که آمریکا نقش خویش را در لیبیا به ایتالیا سپرده است، چنان‌چه در همان روز ایتالیا مانع بمباردمان "درنه" به وسیله امارات و باردیگر مانع مصر شد.

2- در چند روز گذشته شاهد اقدام نیروهای افریکام آمریکایی به بمباردمان شبه‌نظامیان جنوب لیبیا بودیم، شبه نظامیانی که گفته می‌شود، وابسته به تنظیم داعش اند. اداره حکومت آمریکا و حکومت سراج اظهار نمودند که این کار با هماهنگی هردو دولت صورت گرفته است؛ در حالی که هیچ هماهنگی با نیروهای حفتر صورت نگرفته است. این عملکرد آمریکا اشاره بر این دارد که در موقف آمریکا نسبت به اوضاع جاری لیبیا تغییرات ایجاد شده است.

در کل سفر صالح به امارات و فاخوری و فرجان به مصر و بعضی دیگر از متنفذین و شخصیت‌های مردمی به پایتخت‌های این دولت‌ها و هم‌چنین هیئت چندروز پیش مقامات فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی به "طبرق" نشانگر غیاب حفتر از صحنه می‌باشد و نیز این را می‌رساند که تنظیم امور، که به وجود حفتر بستگی داشته، تا حدی در هم ریخته و تنظیم و کنترل آن بسیار مشکل شده است، به خصوص اوضاع مرتبط به شهر درنه. نه تنها این؛ بلکه حضور نیروهای حفتر در کمربند نفتی، علی‌الرغم اهمیتی که برای مصر و آمریکا دارند، به یک مشکل بزرگ تبدیل شده است؛ زیرا بعضی از واحدهای مسلح از این نیروها به سمت شرق لیبیا انشعاب کردند. لذا آمریکا، اروپا و مصر از این می‌ترسند که وضعیت امنیتی درین بخش از کشور، مبادا انفجار کرده، هرج و مرج و شورش‌ها در حالی که عوامل آن بسیار است، عام شود و به همین دلیل

بوده که اتحادیه اروپا در مورد وضعیت لیبیا، مجلس مشوره‌ای ترتیب داده و سخنگوی این مجلس از پیامدهای غیاب حفتر از صحنه، هشدار داد.

بعضی از نیروهای سیاسی در طرابلس به این نظر اند که غیاب حفتر از لیبیا عامل خوبی برای کمک به بیرون شدن این کشور از این وضعیت ناهنجار می‌باشد. عمر ابوشاح عضو شورای عالی دولت می‌گوید: «آنچه که از فرضیه ایجاد مؤسسه نظامی برای رهبری عملیات "الکرامه" در منطقه شرقی لیبیا اتفاق افتاده، چیزی بیشتر از ائتلاف قبیله‌ای نیست، شبه‌نظامیانی که عوامل متفرق کننده از عوامل متحد کننده آن‌ها بیشتر است.» وی می‌افزاید: «درگیری‌های شرق لیبیا بعد از بیرون رفتن حفتر از صحنه، موضوع مطرح در میان رهبران درگیر بر سر جانشینی حفتر می‌باشد و این که بیانات وزیرخارجۀ فرانسه در خصوص بهبودی وضعیت صحنه حفتر، یک فرصت برای کنترل اوضاع پس از حفتر می‌باشد و برای بازیگران صحنه، این اجازه را می‌دهد که سناریوهای جدید خود را طرح کنند.»

آنچه که احزاب و طرف‌های داخلی، خارجی، منطقوی و بین‌المللی را غافل‌گیر نموده است، به کوما رفتن و شاید مرگ بالینی حفتر می‌باشد. چنانچه آن‌ها را وادار نموده است که به بیان یک واقعیت و سپس به بیان نقیض آن پردازند و حتی برخی از رسانه‌ها را تحت فشار خود قرار داده تا اخبار و گزارشات متناقض باهم را در مورد وضعیت حفتر ارائه کنند؛ مانند اظهارات مبنی بر سلامتی حفتر-که یک دروغ محض می‌باشد- عامل این فشارها فرانسه، ایتالیا و امارات می‌باشند. چنانچه در عین سیاق، وزیرخارجۀ فرانسه اظهار داشت که حفتر پس از آزمایشات لازم در وضعیت صحنه مناسب به سر می‌برد؛ اما اظهارات عقبه پسر حفتر این دروغ را آشکار نمود. او در سایت خبری "میدل ایست ای" انگلیسی گفت که پدرش از سیروز ریه و التهاب مغزی، که باعث خونریزی مغزی وی شده و در کوما قرار دارد، رنج می‌برد. دلیل این همه دروغ‌بافی‌ها در مورد وضعیت حفتر، بدست آوردن وقت کافی برای تعیین جانشینی حفتر می‌باشد، در حالی که ترمیم این شگاف از عهده پینه‌دوز آن خارج شده است.

وضعیت غیرمترقبه حفتر تمام پلان‌ها و برنامه‌های اطرافیان‌شان را درهم ریخته است، طوری که مریضی کشنده حفتر، آغاز درگیری‌های دائمی آن‌ها می‌باشد، هریک بدنال جایگاه برای منافع شخصی خود اند. درگیری‌هایی که منجر به فروپاشی پروژه موسوم به کرامه حفتر شده است، پروژه‌ای که آن‌ها از سال 2014م بدینسو میلیون‌ها دالر از شرق و غرب بالای آن مصرف نموده‌اند؛ چنانچه گذشت زمان آن را نشان خواهد داد.

نویسنده: استاذ احمد المهدب

9 شعبان 1439 هـ.ق

25 اپریل 2018 م